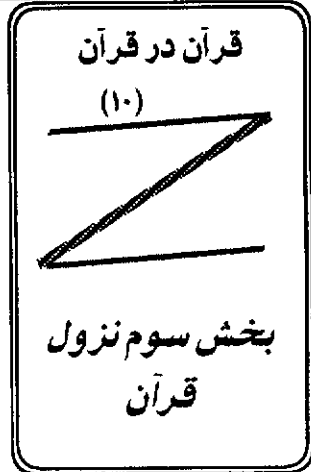




یعقوب جعفری



قرآن کریم به عنوان مجموعه وحی الهی در قلب مبارک محمد رسول گرامی اسلام ﷺ جای گرفته و برزبان مبارک آن حضرت جاری شده و به مردم رسیده است صدور این پیام های آسمانی از وجود باری تعالی و وصول آن به پیامبر و مردم حقیقی است که قرآن کریم از آن با تعبیرهای «نزول» و «انزال» و «تنزیل» یاد کرده که هر سه از اشتقاقات يك واژه است.

واژه «نزول» در لغت موارد استعمال متعددی دارد که باز گشت آنها به دو معنی است یکی حلول و قرار گرفتن درجائی و دیگری فرود آمدن از بالا به پائین (۱).

در قرآن کریم انزال به هر دو معنی استعمال شده است معنی اول یعنی قرار دادن درجائی، دراین آیه شریفه آمده :

﴿ وَ قُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنزِلِينَ ﴾ (سوره مؤمنون، آیه ۲۹). «بگو خدایا واردکن مرا درجائی مبارک که تو بهترین نازل کنندگانی».

معنی دوم را به عنوان نمونه دراین آیه شریفه ملاحظه بفرمائید.

﴿ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً ﴾ (سوره لقمان، آیه ۱۰) و فرو فرستادیم از آسمان آبی را. همچنین در قرآن کریم ماده «نزل» و اشتقاقات آن به معانی دیگری علاوه بر معنای یاد شده آمده است مثلاً در آیات زیر «انزال» به معنی خلق کردن آمده.

﴿وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ﴾ (سوره حدید، آیه ۲۵) خلق کردیم آن را که درآن نیروی بسیاری است.

﴿ وَ أَنْزَلْ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ ﴾ (سوره زمر، آیه ۳۹). « و برای شما هشت جفت چهارپا آفرید ».

﴿ وَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَؤَاتِكُمْ ﴾ (سوره اعراف، آیه ۲۶) « و برای شما لباس قرار دادیم که شما را بپوشاند ».

البته در قرآن کریم نزول و انزال و تنزیل در باره خود قرآن بیشتر از همه چیز به کار رفته است که به ذکر آن خواهیم پرداخت.

اکنون ببینیم که این سه کلمه از لحاظ معنی چه فرقی باهم دارند؟ کلمه نزول مصدر نزل است که فعل لازم می باشد و جای گفتگو ندارد بحث بر سر دو کلمه انزال و تنزیل است که باید دید آیا این دو کلمه با همدیگر فرقی دارند یا نه و اگر آری آن فرق چیست و بر چه مبنائی است؟ گاهی چنین تصور می شود که میان انزال و تنزیل فرقی وجود ندارد زیرا فرق هائی که گفته اند همه قابل نقض است اما باید گفت که مسائل ادبی مانند قواعد ریاضی نیست که هیچگونه استثنائی نداشته باشد وقتی کلمه ای در اکثر مواقع به صورت خاصی استعمال شد باید آن را به عنوان يك قاعده قبول کرد اگر چه استثناء هائی هم داشته باشد به هر حال میان دو واژه «انزال» و «تنزیل» فرق هائی گفته شده است که اهم آنها عبارتند از:

۱ - انزال به معنی نازل کردن دفعی و یکباره است و تنزیل به معنای نازل کردن تدریجی است این قول از بیشتر مفسران و اهل لغت نقل شده است (۲) هر چند برای آن موارد نقضی هم وجود دارد.

۳ - تنزیل به معنی نازل کردن تدریجی است و انزال اعم از دفعی و تدریجی است (۳).

۳ - تنزیل دلالت بر تکثیر می کند ولی انزال این دلالت را ندارد سیبویه از ابوالحسن نقل می کند که گفته انزال و تنزیل از نظر من هیچگونه فرقی ندارند جز اینکه در تنزیل نوعی تکثیر وجود دارد (۴).

۴ - تنزیل دلالت بر ترتیب دارد ولی انزال چنین نیست (۵).

به طوری که ملاحظه می فرمائید این وجوه خیلی به هم نزدیک است و اساس و مبنای همه آنها تفاوتی است که میان باب افعال و باب تفعیل وجود دارد و به گونه ای که علمای علم صرف گفته اند در باب تفعیل نوعی مبالغه و تکثیر است و روشن است که تکثیر هر چیزی بر حسب خودش است و تکثیر در ماده تنزیل مستلزم تدریجی بودن نزول می باشد و ترتیب نیز درجائی است که اشیاء و افراد متعددی باشد تا بتوان آنها را ترتیب کرد بنابراین قول به این که انزال

دفعی است و تنزیل تدریجی قول درستی است ولا اقل در باره نزول قرآن باید آن را پذیرفت زیرا به طوری که خواهیم گفت قرآن به دو صورت نازل شده است دفعی و تدریجی و نوع آیاتی که ناظر بر نزول دفعی قرآن است با کلمه انزال آمده و نوع آیاتی که نزول تدریجی قرآن را می رساند با کلمه تنزیل همراه است (تفصیل مطلب را به زودی خواهیم آورد).

پیش از آنکه مطالب مربوط به انزال و تنزیل قرآن را مطرح کنیم چند نکته را که از مقایسه آیاتی که مشتمل بر این دو کلمه است به دست آورده ایم برای خوانندگان محترم تذکر می دهیم:

نکته اول: تنزیل همیشه در مورد نزول خیر و برکت استعمال شده مانند نزول قرآن که نزول غذای آسمانی (من و سلوی) مانند آیه ۸۰ از سوره طه آیه ای را پیدا نکردیم که در آن تنزیل در نزول عذاب و شر استعمال شده باشد اما کلمه انزال اعم از نعمت و عذاب است البته انزال نیز در بیشتر موارد در باره خیر و برکت استعمال شده مانند انزال قرآن و یا غذای آسمانی (مانده) و یا باران اما در چند آیه از قرآن انزال در مورد نزول عذاب استعمال شده است مانند این دو آیه:

﴿ فَانزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴾ (سوره بقره، آیه ۵۹).

«پس نازل کردیم بر ستمگران عذابی از آسمان به خاطر آن که آنها فسق می کردند».

﴿ إِنَّا مُنزِلُونَ عَلَىٰ أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ ﴾ (سوره عنکبوت، آیه ۳۴). «ما بر ساکنان این آبادی عذابی از آسمان نازل خواهیم کرد».

نکته دوم: غیر از انزال و تنزیل، اشتقاقات دیگر این ماده در باره قرآن استعمال نشده است حتی کلمه تنزل (از باب تفعل) در مورد نزول قرآن نیامده ولی در باره نزول ملائکه و شیاطین استعمال شده است:

﴿ تَنزَّلَ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ ﴾ (سوره قدر، آیه ۴). «ملائکه و روح در آن شب (شب قدر) به اذن پروردگارش نازل می شوند».

﴿ قُلْ هَلْ أُنزِلُكُمْ عَلَىٰ مَن تَنزَّلَ الشَّيَاطِينُ تَنزَّلَ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ﴾ (سوره شعراء، آیه ۲۲۱) «آیا به شما خبر بدهم که شیاطین بر چه کسانی نازل می شوند؟ شیاطین بر هر شخص بسیار دروغگری بدکار نازل می شوند».

نکته سوم: در قرآن کریم در مورد نزول تورات و انجیل همواره از کلمه «انزال» استفاده شده است و کلمه تنزیل در باره آنها به کار نرفته جز در یک مورد که آن هم مربوط به قبل از نزول تورات است (رجوع کنید به آیه ۹۳ از سوره آل عمران) و از آنجا که معروف میان علماء این است که تورات و انجیل یک بار آن هم به صورت دفعی نازل شده اند^(۶) می توان این مطلب را شاهدی بر

دفعی بودن «انزال» و تدریجی بودن «تنزیل» دانست.

اکنون پس از این بحثهای مقدماتی وارد بحث در باره نزول قرآن می شویم پیش از هر چیز باید دید که منظور از نزول قرآن چیست؟ آیا قرآن نیز مانند باران از بالا به پائین و از آسمان به زمین فرود آمده است؟ به این سؤال نمی توان پاسخ مثبت داد زیرا لازمه این مطلب جسم بودن و مادی بودن قرآن است و چنین تصور می شود که گویا قرآن به صورت اوراق نوشته شده ای بوده که مثلاً فرشته ای مانند کبوتران نامه رسان آن را از آسمان به زمین فرود آورده چه به پیامبر ﷺ تسلیم کرده است! چنین تصویری در باره قرآن باطل و نادرست است.

و همچنین لازمه آن جسم بودن و مکان داشتن خداوند است که گویا در عرش یا جایی از آسمان نشسته و قرآن را بر زمین فرو فرستاده است! تعالی الله عن ذلك.

باید بگوئیم که منظور از نزول قرآن يك نزول معنوی و روحانی است و حقیقت قرآن که در صقع ذات الهی بوده به نوعی تنزل یافته و به صورتی در آمده که برای پیامبر که از جنس بشر است و وجودی مادی و جسمانی دارد، قابل درک و دریافت شده است.

و به عبارت دیگر نزول قرآن عبارت است از افاضه ای که از طرف خداوند متعال به پیامبر ﷺ شده و پیامبر شایستگی همسو شدن با عوالم غیبی را پیدا کرده و حقائق الهی از طریق وحی بر جان و دل پیامبر نشسته است.

(ادامه دارد)

پاورقی ها:

- (۱) ابن منظور لسان العرب، ج ۱۱، ص ۶۵۶ و زمخشری اساس البلاغه، ص ۶۲۸.
- (۲) زبیدی، نجاج العروس، ج ۸، ص ۱۳۳ - جزائری، فروق اللغات، ص ۵۷ - طباطبائی، المیزان، ج ۲، ص ۱۲.
- (۳) راغب اصفهانی، المفردات، ص ۵۱۰.
- (۴) لسان العرب، ج ۱۱، ص ۶۵۶.
- (۵) فیومی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۳۰۵.
- (۶) رجوع شود به سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۴۲.